

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ فبروری ۲۰۱۸

مسئولیت سه جنایتکار در کشتار های کنونی

۳



چند تن از آنهایی که مسبب این جنایت و جنایت های مشابه دیگر در افغانستان اند. ننگ و نفرین نثار شان باد!

چهار شنبه- ۱۱ دلو ۱۳۹۶- کابل: جهت احتراز از طولانی شدن مطلب و در نتیجه عقب ماندن از اوضاع جاری کوشش به عمل خواهد آمد تا در پاسخ به پرسش انتقادی آن دوست، با اختصار کامل مطلب را ادامه دهم.

۱- عدم تعلق کامل "اشرف غنی احمدزی" به افغانستان، به خودش محدود نمی گردد، بلکه بنا بر یک واقعیت قبول شده بین مردم افغانستان که اکثریت آنهایی که به بهانه های فعالیت های اقتصادی با هند بریتانوی و بعد ها پاکستان در آمد و آمد قرار داشته به اصطلاح نان شان را از آنجا تهیه می کردند، رابطه تنگاتنگ با استخبارات های و رای مرز های افغانستان داشتند، می توان نوشت که "غنی احمدزی" که یکی از جواسیس خانه زاد استعمار می باشد.

۲- حین تحصیل در لبنان، ازدواج با خانم مسیحی لبنانی که در کلیت خود به مثابه دست دراز اسرائیل در آن کشور عمل می نمودند، تارهای خام عرق ملی را که وی در محیط افغانستان فرا گرفته بود، نیز قطع نموده، از وی انسانی

ساخت قابل خرید و فروش. بدان معنا که هرکسی پولی برایش می داد، توانائی اش را در خدمت خریدار قرار می داد، می خواست آن خریدار یهود باشد یا نصاری، برایش تفاوتی نمی نمود. از همین جاست که در استخدام "سیا" در آمد.

۳- با همین کرکتر جذب بانک جهانی گردیده، "کار او مشاوره در مورد ابعاد انسانی برنامه های اقتصادی بود و در برنامه های بانک جهانی در آسیای شرقی، جنوب آسیا، روسیه، چین و هند شرکت داشت. -ویکی پدیا-"

۴- با شناختی که از اهداف بانک جهانی داریم و بادر نظر داشت این که امپریالیسم نخست از طریق بانک جهانی و بانک های مشابه راه ورودش را به کشور ها کشوده چنین بانکهایی به مثابه پیشقراول نیروهای اشغالگر عمل می کنند، و با در نظر داشت مطالبی که در کتاب "جنایتکار اقتصادی" منتشره در پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" راجع به چگونگی عملکرد افراد بانک جهانی و مؤسسات مشابه می دانیم به جرأت گفته می توانیم که "غنی احمدزی" حین کار در آن بانک، فقط کوشیده است تا اهداف نهاد های استخباراتی امریکا، به خصوص "سیا" را بر آورده بسازد.

۵- بعد از پیراهن عثمان یازده سپتمبر، در کنار شرکای استخباراتی اش، "خلیلزاد، کرزی، جلالی" به وسیله طیارات نظامی امپریالیسم اشغالگر امریکا به افغانستان آورده شده، از همان تاریخ تا اینک در هر مقامی که بوده، هم و غمش تحکیم مناسبات استعماری در کشور بوده است.

۶- از زمان "احراز مقام ریاست جمهوری"، چون منافع اربابانش ایجاب می نماید تا در افغانستان ضدیت های قومی، مذهبی، نژادی و زبانی دامن زده شود، لذا کسی که فرزندان عار دارند تا نامی از افغانستان ببرند چه رسد به این که یک کلمه پشتو حرف بزنند- فارسی - دری حرف زدن "روغنی" نمایانگر آن است که زبان مکالمه در درون خانواده آنها بعد از انگلیسی، فارسی - دری بوده است- به یک باره لباس عظمت طلبی پشتون را بر تن نموده، در واقعیت امر جهت تزریق میکروب افتراق ملی در بدنه جامعه به سیاست های محمدگل خان مومند روی آورد.

۷ - کار در جهت تدوین و عملی نمودن ستراتیژی سیاسی-نظامی و اجتماعی مبتنی بر افتراق ملی، که بادرانش به وی دیکته می نمایند، باعث گردید که نفرت های قومی و نژادی چنان عمق و پهنا در افغانستان بیابد که حتا آنهایی که در طول عمر با چنین میکروب هائی آلوده نشده بودند، به مثابه عکس العمل علیه سیاست های این جاسوس کثیف، خطر آلوده شدن شان منتفی نمی باشد.

۸- آوردن آگاهانه "داعش"، تقویت روز افزون "طالب" و تلاش در جهت احیای باند "گلبدین"، در کنار به کار گماردن جنایتکار ترین افراد از باند های "خلق و پرچم"، گذشته از خیانت به افغانستان و مردم آن و زیر پای نمودن خون میلیونها کشته و زخمی که قربانی جنایات باند های متذکره شده اند، با باز گذاشتن دستان جنایت پیشه آنها در عمل شرکت در جنایات آنها نیز می باشد.

۹- اعمال نفوذ جهت رهائی جنایتکاران طالبی در زمان "کرزی" و رهائی ۷۵ تن از جنایتکاران "گلبدینی-داعشی" جنایت دیگر است از جانب وی که نه تنها از حافظه تاریخ زدوده نخواهد شد، بلکه مردم نیز هرگز وی را نبخشیده، در عمل زیر پای نمودن خون و حق حیات قربانیان آن جنایات می باشد.

۱۰- طی حدود سه و نیم سال حاکمیت، بر مبنای حکم اسلامی هم که هر "امیری را مسؤل رعیت خودش دانسته است" و به استناد صد ها واقعه تاریخی از حیات خلفای راشدین که آنها خود را از موضع خلیفه مسلمین، در گرسنه ماندن یک یهودی نزد خدایشان مسؤل احساس می نمودند، این کثافت در تمام آنچه در افغانستان تا اکنون اتفاق افتاده، از صدها کشته و زخمی قضیه روشنائی گرفته تا چهارراهی زنبق، مراسم جنازه، حمله بر مساجد و تکایا، کشتار ها در قندوز، مزار، شیرغان و میمنه و در نهایت چهارراهی صدارت مسؤلیت نخستین متوجه شخص وی گردیده، به همان

سانی که از دید اسلامی نزد خدا مسؤول است از دید انسانی نیز نزد مردم و از دیدتاریخی، نزد تاریخ نیز مسؤولیت دارد.

من بر مینای فکت های فوق به خود حق می دهم تا "غنی احمدزی" را یکی از مسببین جنایات اخیر معرفی بدارم، هرگاه کسی مخالف آن است خوب است به جای غم، حرفش را بلند بزند، تا مردم بدانند که چه کسی چه می گوید.

ندیده شود چه می شود!!